

یقین قطع از برای من حاصل است که هر گاه با احساسات صادق و خلوص نیت و وظیفه شناسی که مجبور و معمول به اکثر اعضاء مدارس و معامین ماست این اساس طرح کرده و بکار افتد نتایج حسنه بسیار بخشیده معامین ما را از کنج انزوای بیک و عقاید شخصی و گوشه کلاس خود بیرون خواهد کشید تا آنکه روابط زیاد تری با همگان خود داشته باشند.

و قتیکه افراد بیشتر با یکدیگر مجالس و محشور شدند افکار و قلوبشان نیز یکدیگر مربوط و نزدیک

تر میگردد و مدبر و معلمین و قتیکه یکدیگر را بهتر شناختند قدر و بهای هم را نیز بیشتر میدانند. و همچنین مائلی را که برای حل آن در این جلسات دعوت می شوند چون افکار معلمین را ارتقاء دانه و قلوب ایشانرا منشرح می سازد و دامنه انظارشانرا توسعه می بخشد بایشان بهتر خواهد فهمانید که این تربیت افراد ملت که آنها کار گنان و مامورین قداکار و محبوب آن هستند چه کار بزرگی است!

## مواد پرگرام سال اول

### پرگرام را باید مراعات نمود

در مدارس ابتدائی ما اغلب معمول نیست که در کلاس ابتدائی یعنی در سال اول مواد مدونه در پرگرام را تدریس نمایند کار معلم از اول سال تا آخر سال فقط منحصر باین است که سی و دو حرف الفباء را با اشکال مختلفه آنها با اطفال آموخته و در ضمن قدری هم قرائت و کتابت یاد دهد و شاید تصور هم می کند که تمام وقتش باید به صرف تعلیم این معلومات رسد اینست که غالباً به لاطائلات پرداخته شاخ و برگهای متعدد از برای حروف پیدا کرده بهیچوجه به خیال تسهیل کار نیفتاده و آنچه را که بزبان سهل و ساده ممکن است با اطفال بیاموزد بقدری مشکل تعلیم می نماید که مابه زحمت و صدمه خود و شاگردانش می گردد مثلاً در بعضی از مدارس مشاهده کرده ام که حرف ب را بدین طریق تدریس میکنند:

ما خوانده ایم حرف ب را صورتش ب شکش ۸:

ب ب ب و غیره

ب تنها ب اولی کوتاه ب اولی عمودی ب اولی مایل ب اولی نیمگرد ب وسطی ب اخری

و آنرا نه کلام است و هشت کلمه یعنی ۱۷ مثال از برای ۸ شکل ب ذکر می نمایند و اطفال بیچاره مجبورند که تمام آنها را مرتب حفظ نمایند معلوم است یک چنین درسی اقلاده و لازم دارد تا در ذهن طفل مرکوز میگردد.

مقصود ما در این جا تنقید طریقه تدریس ابتدائی نیست بلکه این نکته را میخواهیم متذکر شویم که چون معلمین ابتدائی ما فقط وظیفه خود را تدریس حروف الفباء در مدت یکسال میدانند در فکر رفع اشکال تعلیم و تسهیل شرایط پیشرفت آن نیستند در نتیجه چون اطفال مطابق زحمت آنها پیشرفت نمیکنند یک نوع دماغ سوختگی و کسالت بایشان عارضی گشته از شوق تدریس و تعلیم افتاده و اطفال بیچاره را نیز از تحصیل بیزار مینمایند و حال آنکه اگر در حقیقت معلم درس دادن را دوست داشته و علاقه مند به پیشرفت کار میباشد بالطبع راه ها و اسلوب های تازه و آسانی از برای تدریس پیدا کرده و درس را در مقابل اطفال بشکل یک تفریح مطبوعی جلوه میدهد و نتیجه که ازین طریقه مرتب خواهد بود اینست که تقریباً اطفال هیچوقت خسته و روحشان فرسوده نمیگردد و در همان حال کاری که معلم در مدت یکسال تمام با زحمات بسیار انجام میدهد در عرض چهار یا پنج ماه تمام کرده و مابقی سال را میتواند بچیزهای نافع تری که علاوه بر ازدیاد معلومات اطفال هوش و کوش آنها را نیز باز میکند پردازد

کدامند آن چیزهای نافع؟ کتابچه پرگرام را باز نمائیم و ملاحظه کنیم که علاوه بر تحصیلات فارسی چه چیزهای دیگری میتوانیم در سال اول با اطفال بیاموزیم



اول شناساندن و فهماندن مقادیر ثانی یاد دادن اسم و علامات اعدادیکه معبر کمیات هستند

پس اول کاری که معلم باید بکند ایشست که در مقابل اطفال اشیاء محسوسه را ( سنک ریزه چوب کبریت ) شمرده و مخصوصا یک یک شاگردان را مجبور کند که اشیاء را شمرده و از آنها دسته هئی تشکیل کنند که ابتدا کمتر از ده دانه بعد در مابین ۱۰ و ۲۰ و ۲۰ و ۳۰ تا صد باشد و نظر بآنکه کفتم اطفال حتی تصور کمیات محسوسه را که از عشره اول تجاوز کرد نمیتوانند بکنند بایستی که معلم با کمال ثانی پیش رود برای هر عده ای اقلا چند روز باید صرف نموده و تمرینات متعدده باشکال مختلف دهد مثلا فرض کنیم عدد ۴ را باید با اطفال شناساند معلم چهار چوب کبریت گرفته و در بهلوی هم قرار میدهد اطفال نیز هر یک اینکار را میکنند پس از آن میگوید که این دسته مرکب از چهار چوب کبریت است اسم آن را با خط درشت در روی تخته سیاه نوشته و علامت ( ۴ ) آن را نیز در بهلوی آن مرقوم میدارد بعد با همان چهار کبریت معلم و شاگرد باشکال مختلفه دسته بندی میکنند به این طریق :

۱۱۱ باضافه ۱ مساوی است به ۱۱۱۱

۱۱ باضافه ۱۱ مساوی است به ۱۱۱۱

۱ باضافه ۱۱۱ مساوی است به ۱۱۱۱

۱ باضافه ۱ باضافه ۱ باضافه ۱ مساوی است به ۱۱۱۱

ایضا بطریق ذیل :

۱۱۱ مساوی است به ۱ منهای ۱۱۱۱

۱۱ مساوی است به ۱۱ منهای ۱۱۱۱

۱ مساوی است به ۱۱۱ منهای ۱۱۱۱

• مساوی است به ۱۱۱۱ منهای ۱۱۱۱

پس از آنکه اطفال در باره عدد ۴ دسته بندی های فوق را آموختند باید آنها را مجبور با اجرای تمرینات نمود :

( در جای هر نقطه باید عده چوب کبریت لازمه را

قرار دهند )

• مساوی است ۱ منهای ۱۱۱۱

• مساوی است ۱۱ منهای ۱۱۱۱

• مساوی است ۱۱۱ منهای ۱۱۱۱

می بینیم که مواد ، تاریخ جغرافی حساب اخلاق رسم نیز ذکر شده است که تدریس شود حال شاید بوزارت معارف و بما ایراد کنند که در کلاس ابتدائی چطور می توان حساب یا علم الاشیاء یا جغرافیا را تدریس نمود ؟ آیا اطفال شش هفت ساله قابل فهم مواد مزبوره هستند ؟

قبل از جواب يك سؤال :

از کلمات حساب جغرافیا و غیره در متخیله ما چه مجسم میکردد ؟ آیا تصور میکنیم که در کلاس ابتدائی باید از رود های افریقا و جبال امریکا صحبت نمود و یا از کسور و مراتبه و اختلاط و امتزاج سخن راند ؟ البته همه تصدیق میکنیم خیر ! پس درجه معلوماتی را که اطفال باید از مواد مزبوره فرا گیرند کدامست ؟ باز بر کرام را باز نموده و ملاحظه کنیم که از برای هر سنی تا چه اندازه معلومات لازم و مقتضی است مثلا برای حساب سال اول بر کرام میگوید ؟

« اصول اولیه شماره لفظی و خطی - جمع و تفریق اعداد يك رقمی و در رقمی - تمرینات شفاهی و کتبی » این عبارات با کمال وضوح معین میکنند که حساب را تا چه درجه باید در سال ابتدائی آموخت - فقط بایستی اطفال ۹۹ عدد اول را شناخته و توسط تمرینات متعدده اعمال جمع و تفریق را در آنها مجری دارند . باز هم شاید در اینجا بما ایراد کنند که تعالیم اعداد از ۱ تا ۹۹ چندین ماه لازم ندارد بلکه در عرض چند روز میشود آنها را یاد داد اگر کسانی باشند که حقیقه چنین خیال کنند آیا باطل تصور نموده اند ؟ بطلان چنین تصویری بخوبی واضح است چرا که نه فقط اطفال شش هفت ساله معنی عدد را نمی فهمند بلکه تصور کمیات محسوسه را نیز که از چهار و پنج تجاوز نماید نمی توانند بکنند شاهد مدعا اینکه هر وقت بخواهند يك عده اشیاء را بشمارند اول اسامی اعداد را بدون ترتیب ذکر کرده و ثانیاً بعضی از آنها را چندین دفعه تکرار میکنند مثلا برای شمردن کردو میگویند ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ و غیره پس مشهود میگردد که معلم دو کار دارد :



سهل - نوشتن کلمات و عبارات مأخوذه از درس بطریق  
دیکته - مشق تکلم بواسطه سؤال و جواب لکن سؤال باید  
ساده و آسان باشد - تصحیح غلط های لفظی - ضبط  
اسامی چیزهاییکه بتوان بطفل نشان داد - خواندن حکایات  
ساده اخلاقی - حفظ کردن قطعات بسیار سهل که معنی  
آنها را بتوان فهمانید .

در بین مقررات فوق آنچه که بعد از قرائت و  
کتابت اهمیت درجه اول را حائز است مشق تکلم می  
باشد و مخصوصا پرگرام قید میکند : « بواسطه سؤال  
و جواب لکن سئالات باید ساده و آسان باشند » مقصود  
ازین سؤال و جواب این است که اطفال مجبور بکماله  
و صحبت شده و در ضمن لغات را بامعانی صحیحه شان  
فرا گیرند

و بدیهی است که در کلاس ابتدائی هیچ لزومی  
ندارد که باطفال لغات جدید یاد دهند بلکه باید برای

### آنها معانی کلمات مستعمله را تصریح نمود

در ضمن تمام دروس میتوان مشق تکلم را مجری داشت ولی  
غالبا باید بتوسط تمرینات مخصوصه کلمات و لغاتی را  
که بیگانه شیبی معینی از قبیل لباس اثاثیه کلاس درخت  
( غیره ) جمع می شوند جمع کرد اما فقط بجمع کردن  
لغات نباید قناعت نمود باید اطفال بتوانند آنها را در عبارات  
خیلی ساده ولی کامل استعمال نمایند . مثلا: معلم از  
شاگردی سؤال می نماید : ایامیزهای کلاس شما چه رنگ هستند؟  
شاگرد نباید جواب بدهد : سیاه بلکه باید بگوید: زمین  
های کلاس ما سیاه هستند .

از برای مشق تکلم دو مثال ذیل را بیان می کنیم:

### میوه جات

س - کدامند درختانیکه میوه قرمز دارند ؟

ج - درخت الو بالو درخت شفتالو درخت کوجه میوه  
قرمز دارند .

س - آنهائیکه میوه زرد دارند ؟

ج - درخت زردآلو درخت الوزرد درخت لیمو .

س - آنهائیکه میوه سبز دارند ؟

ج - درخت کلابی درخت بادام ...

### ۱۱۱۱ مساوی است به • باضافه ۱

..... ۱۱۱۱ مساوی است به ۱۱۱ باضافه • الخ

بالاخره بعد از آنکه اعداد فوق را باچوب کبریت

محسوس و مرئی داشتند بتوسط ارقام بنویسند

• مساوی است به ۲ منهای ۳ . • مساوی است

به ۱ منهای ۴

۴ مساوی است به ۲ باضافه • • مساوی است

به • باضافه ۱ الخ

بطریقی که ذکر شد اطفال در باره هر عددیکه یاد

میگیرند چندین روز وقت صرف مینمایند و این امتداد

وقت ابدا باعث کسالت آنها نمیشود چرا که اولاً

تمرینات باشکال مختلفه بانها داده میشود اثاثیه همانان

چون هیچوقت بدون نمر نمانند ( یعنی همیشه جواب را

پیدا میکنند تشویق و ترغیب آنها بعمل میاید و ثالثاً درس

برای آنها یکنوع تفریح و مشغولیتی بوده چرا که خود

را مشغول دسته بندی اشیاء مختلفه نموده اند

مسئله دیگر که بدون اهمیت نیست اینست که طفلی

در ضمن یاد گرفتن اعداد جمع و تفریق را نیز یاد

گرفته است زیرا که بتوسط جمع و تفریق است که از

اشیاء و مقادیر می توان دسته های مختلفه تشکیل داد

خوبست در خاتمه متذکر شویم که فقط دادن تمرینات

مانند فوق کافی نیست بلکه لازم است که معلم آنها را بصورت

مسائل در آورده و بدهد مثال

۱ - حسن ۶ شاهی دارد و از رفیقش ۸ شاهی قرض

میگیرد پس حسن چقدر پول دارد ؟

۲ - تقی ۱۷ کردو و کاظم ۱۲ کردو دارند بگوئید

کدام یک بیشتر دارند ؟

۳ - محمد ۱۵ سال دارد برادرش ۴ سال کمتر از او

دارد پس سن برادر محمد چقدر است ؟ و غیره



باری آنچه را که در باب حساب گفتیم درباره هریکی

از مواد تدریسی میتوانیم بگوئیم در زبان فارسی پروگرام

حدود ذیلی را معین میکند :

• قرائت حروف مفرده و کلمات و شرهای بسیار



از کی می خریم ... ؟

- س - از کی قند میخریم ؟ ج - قند را از عطارد سقط فروش می خریم .
- س - از کی گوشت میخریم ؟ ج - از قصاب
- س - از کی سوزن و سنجاق میخریم ؟ ج - از علاقیند
- س - از کی کفش و بوتین میخریم ؟ ج - از کفش دوز
- س - از کی پارچه میخریم ؟ ج - از بزاز

الخ

در تمرینات شبیه بتمرین تانی عیب ندارد بلکه مفید است که معلم فعل را بازمه و بصیغه های مختلفه استعمال نماید البته مقصود این نیست که اطفال کاملاً افعال را مانند قواعد دستور یاد گیرند ولی چون فارسی زبان مادری آنها است میتوانند باین قبیل سؤالات جواب دهند :

- س - از کی این کتاب را خریده اید
- ج - این کتاب را از کتابفروش خریده ام
- س - پدر شما چه وقت بمنزل خواهد آمد ؟
- ج - پدر من یکساعت دیگر بمنزل خواهد آمد



علم الاشیاء چنانچه اسم آن یکمال وضوح مقصود و منظورش را بیان میکند شناسائی و معرفت بحال اشیاء است حال چطور میتوانیم اشیاء را با اطفال کلاس ابتدائی بشناسانیم ؟ آیا میتوانیم کتاب علم الاشیائی ( مانند در سایر کلاسها ) در میان دستهای کوچک آنها قرار دهیم و بگوئیم اول عبارت آنرا قرائت کرده بعد حفظ نمایند ! ایامی میتوانیم فقط از خارج توضیحانی راجع بان شیئی داده و متوقع باشیم که اطفال آنها را درک کرده و بخاطر خود بسپارند ؟ البته نه سن شان کردن ابتدائی و نه درجه معلوماتشان مقتضی چنین دستور های تعلیم می باشند ما این وسائل را حتی رای کلاسهای ۵ و ۶ قبل ملاحظه و تامل نمیدانیم آنچه رسد بکلاس ابتدائی همیشه عقده ما بر این بوده که مهمایمکن باید شیئی را در مقابل نظر طفلی گذاشته ( و اگر از ان شیئی بتوان نمونه های متعدد داشت البته بهتر است ) و او را مجبور کنند که با کمال دقت شیئی را نگاه کند و بویکشند لمس کند . . .

و بعد نتیجه مشاهداتش را بزبان خود بیان کند رجحان اینطریقه بر دو طریقه فوق الذکر مشهود و مبرهن است :

- ۱ - قوای دماغی و حواسی و مخصوصاً قوه مشاهده اطفال بکار افتاده و پرورش می یابند .
- ۲ - چون بتوسط تفکر و مجاهدت شخصی اطفال صفات و احوالات شیئی را پیدا نموده اند با کمال سهولت آنها را بخاطر خواهند سپرد
- حال به بیستم چه نوع اشیائیرا میتوان در کلاس ابتدائی آورد و با اطفال نشان داد پر گرام میگوید :
- اشیاء معمولی و مانوسه که دائم در مقابل نظر اطفالست و احتیاج بدان دارند از قبیل کاغذ مرکب کتاب فرش لباس اثاثیه مدرسه و غیره درین اشیاء ابتدا باید صفات ظاهری را پیدا نمود مثلاً معلم سؤال می نماید: این کتاب ( کتابی را که در دست دارد ) چه رنگ است ؟ جواب می شنود :
- این کتاب سیاه است
- س - چه شکل دارد ؟
- ج - چهار گوش دو طرف دراز و دو طرف کوتاه تر
- س - بو دارد ؟
- ج - نه خیر !
- س - زبر است یا نرم ؟
- ج - پشت کتاب زبر است ولی توی کتاب نرم است
- س - می توانید آنرا مثل چوب بشکنید ؟
- ج - خیر تومی شود ولی نمی شکند
- س - از چند قسمت مرکب است ؟
- ج - از جلد و چند ورق کاغذ و غیره
- س - کاغذ آن چه رنگ است ؟
- ج - کاغذ آن سفید است

بعد اگر ممکن باشد مبدأ و مورد استعمال را نیز بتوسط افعال پیدا نمایند : اطفال کلاس ابتدائی نمی توانند بفهمند که کاغذ از کجایم آید و چطور درست میشود لازم هم



نیست بدانند در کلاسهای بالاتر اثر یاد خواهند گرفت اما فایده و مورد استعمال کتاب را میتوانند بگویند: کتاب از برای درس خواندن و چیز فهمیدن است

بر کرام چیزهای دیگر نیز مقرر میدارد از آن جمله «اطلاعات خیلی ساده در خصوص بدن انسان و نصاب راجع بحفظ الصحه» است و همینطور «یاد دادن روزها ماهها فصول و فهماندن راست و چپ و غیره»

این قسمتهای اخیر چیزهایی هستند که هر شخصی از عالم و جاهل برای زندگانی یومیه خود لازم دارد بشناسد و بهمین جهت هم هست که در مدرسه ابتدائی یاد دادن آنها را مقدم بر سایر چیزها قرار داده اند

اما راجع بدن انسان و حفظ الصحه چه عیب دارد در همان موقعی که از صورت یا از یا صحبت میشود از حفظ الصحه آنها نیز بر حسب فصل بقدر فهم اطفال ذکر شود مثلاً در تابستان پازودتر از زمستان چرک میشود چرا؟ جهش را اطفال پیدا کنند: در تابستان با عرق می کنند خاک کویچه با عرق کل درست نمیکند بعد از یکی دو روز پا و جوراب و کیوه بومیگیرد پس لازم است که هر روز اقلای بکدغه پاها را بشویند جوراب دوروز بکند

در زمستان خوب است که هر روز دست و صورت را با آب سرد شست زیرا عادت بسرماء کرده و دیگر از بردن هوا متاثر نخواهند بود و ترک نخواهند خورد

..

ما در همین جا مقاله خود را ختم کرده و بشرح موارد دیگر نمی پردازیم: آنچه را که در فوق ذکر کردیم نمونه ایست از کارهایی که میشود در کلاس ابتدائی کرد نکته اصلی در تدریس اینست که معلم پیش از آنکه بگوید یا عالم باحوال نفس باشد یعنی پس از مدت للی بتواند وضعیت روحی و فکری شاگردانش را شناخت و مطابق فهم و استعداد آنها درس گوید هر وقت که معلم به چگونگی قوای روحی شاگردانش پی برد آن وقت میتواند موافق پیشرفت آنها روز بروز دروس را متنوع تر مبسوط تر و مشککتر نماید و محض اینکه هیچوقت از مرحله دور نیفتد خوب است که بر کرام را راهنمای خود قرار داده و مطابق مقررات آن دروس خود را ترتیب دهد

حبيب الله صحیحی

دیپلمه از دار المعلمین - مفتش مدارس

## يك درس فارسی برای سال دوم

با وجودی که در شرف عزیمت به محل مأموریت خود بودم و وقت و حوصله برای مقاله نگاری نداشتم اداره مجله اصول تعلیمات مکرراً در خواست نوشتن این مقاله را نمود. اگرچه گرفتاری های زیاد اجازه تحریر آن را نمیداد لیکن رد تقاضا هم صواب نبود. اینست که عوض نداشتن يك مقاله علمی اساسی در علم النفس بیکدرسی مختصر برای سال دوم می نویسم. **طریقه تدریس زبان مادری را بطور مفصلی در سه کنفرانس بسم آقاییان رؤساء و معلمین و دانشین رسانیده ام و مدارس متوسطه دولتی که در سال تحصیلی گذشته در تحت نظارت این جانب بود با اندازه انتظار من آن را بموقع اجراء گذارده اند.**

فقط در اینجا بطور مثال این درس گفته میشود شاید بعضی از قارئین محترم سؤال نمایند چرا درس برای اطاق بالاتر، مثلاً کلاس پنجم و ششم، نداده اند پاسخ این پرسش آشکار است: هر قدر سن اطفال کمتر باشد تدریس بانها بطور مطلوب و نافع صعب تر خواهد بود، این است که این درس برای شاگردان بین هفت سال و نه ساله داده شده.

متأسفانه تمام حرکاتی که با دست و چهره باید نمود و کلمات و جملی که باید استعمال کرد برشته تحریر در نیاید و بدیهی است که معلم باید از روی شوق و ذوق خود درس را جالب توجه و شیرین و انترسان